

اخلاق در آموزش عالی با تکیه بر نگره‌های اسلامی

مینا شمخی*: عضو هیأت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

نانسی ساکی: عضو هیأت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

چکیده: مسأله‌ی اخلاق جایگاه ویژه‌ای در آموزش دارد که متناسب با هر مجموعه‌ی سازمانی بر اساس فاکتورهای اخلاقی خاصی تعریف شده است. آموزش عالی نیز یکی از مجموعه‌های بزرگ سازمانی است که نیازمند توجه به همین فاکتورهای اخلاقی تعریف شده در حوزه‌ی تعلیم و تربیت است که بر اساس آموزه‌های دینی بنا شده باشند. از این رو، اخلاق به عنوان نظام کاربردی همواره به دنبال راه‌کارهای جدید برای رفع مشکلات اخلاقی و ایجاد رابطه‌ی سالم و انسانی بوده است. این نوشتار به شیوه‌ی کتابخانه‌ای به تبیین جایگاه اخلاق و استانداردهای اخلاقی در دو نقش آموزشی-پژوهشی و تربیتی می‌پردازد که نتایج متقنی دربرداشته است و مؤیدی محکم بر اهمیت این رابطه در آموزه‌های دینی است.

واژگان کلیدی: اخلاق، آموزش، تعلیم و تربیت، استادان، دانشجویان.

*نویسنده‌ی مسؤول: عضو هیأت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

(Email: m_shamkhi@yahoo.com)

مقدمه

یکی از مسائل مهمی که اسلام برای آن اهمیت قائل شده است و در معارف قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته، اخلاق و ایجاد جامعه‌ی اخلاقی مطلوب است. زیرا اخلاق با ملکات نفسانی، تزکیه و تهذیب نفس، اعمال و رفتار فردی و روابط اجتماعی انسان ارتباط عمیق دارد. اهتمام قرآن مجید به مسائل اخلاقی همواره به عنوان یک مسأله‌ی اساسی مطرح بوده‌است. رعایت اصول اخلاقی همه‌ی ساحت‌های زندگی انسان را تحت پوشش قرار می‌دهد و زندگی انسان را هدفمند می‌کند و راه رشد و تعالی روحی و معنوی را برایش فراخ می‌سازد. اخلاق در آموزش عالی، با مشخص کردن حدود و ثغور رفتارهای مناسب و نامناسب، هدایت مدیران و هیأت علمی در اجرای مسئولیت‌های حرفه‌ای، افراد مرتبط با آموزش عالی را حمایت می‌کند. اهمیت این موضوع بدان جهت است که استادان و معلمان از یک‌سو نقش بسزایی در تربیت علمی افراد متعهد نسبت به جامعه را دارند و از سوی دیگر نقش مهمی در شکل‌گیری فکر و اندیشه دانشجویان را به عهده دارند. لذا در این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سؤالات هستیم که اخلاق و استانداردهای اخلاقی در دو نقش آموزشی و تربیتی با توجه به چه معیارهایی است؟ میزان تأثیر اصول اخلاقی استاد بر دانشجویان تا چه اندازه است؟ و در نهایت آیا این معیار در تمامی جوامع انسانی یکسان می‌باشد یا خاص جوامع اسلامی است؟

۱. مفهوم شناسی واژه‌ی اخلاق

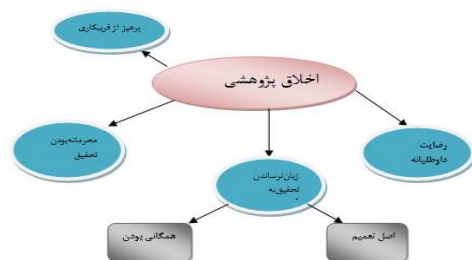
تعاریف گوناگونی از اخلاق و معیارهای مورد پذیرش آن ارائه شده‌است که طیفی از این تعاریف محدود به مبانی نظری یک دین و گاهی تعاریف وسیع‌تر در حوزه‌ی فلسفه‌ی اخلاق مطرح می‌گردد. انسان از آغاز تا پایان زندگی خویش به طور فطری به ارزش‌های اخلاقی گرایش دارد و شخصیت وی همواره با معیار فضایل و رذایل اخلاقی محک می‌خورد. هر فردی در این سنجش به امتیاز بالاتری دست یابد؛ در نزد مردم و خدای متعال جایگاهی رفیع و ارزشمند خواهدداشت. اخلاق در لغت به معنای عادت، رویه، سبجه و... است و در اصطلاح به آن دسته از صفات مثبت اطلاق می‌شود که با هنجارهای جامعه همخوانی دارد (قاسمی ۱۳۹۳) علامه طباطبایی می‌گوید: علم اخلاق عبارت است از فنی که پیرامون ملکات انسانی بحث می‌کند و هدف آن این است که فضایل اخلاقی را از رذایل اخلاقی معلوم سازد تا آدمی بعد از شناسایی آن‌ها، خود را با فضایل بیاراید و از رذایل دورکند، (نعمتی ۱۳۸۹) اما آن چه مهم است، این است که انسان‌ها

اخلاقی زاده نمی‌شوند و باید تربیت شوند. از دید علما آدمی تربیت شده‌است که آنچه فضیلت نامیده شود در او رشد کرده و به صورت ملکه درآید. (مطهری ۱۳۸۷) پیامبر اسلام (ص) نیز در سخنی می‌فرماید: «بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ» (مجلسی ۱۱۱۱) و در جایی دیگر می‌فرماید: «أَمَّا بَعَثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی ۱۱۱۱). بر این اساس اخلاق به دو معنا کاربرد دارد. یک معنا از این اصطلاح ناظر به معنای توصیفی آن است، یعنی اصول اخلاقی متعارف که عموم ملزم به رعایت آن هستند. معنای دوم ناظر به معنای هنجاری آن است، یعنی اصول اخلاقی که باتوجه به موقعیت و وظیفه و سبمت افراد تعیین می‌شود. اخلاق در این نوشتار ناظر به معنای هنجاری آن است.

۲. اخلاق حرفه‌ای آموزش و تدریس

آموزه‌های اخلاقی اسلام یکی از منابع مهم در شناخت اخلاق حرفه‌ای است. اخلاق حرفه‌ای هم بخشی از اخلاق است؛ زیرا تعهدات حرفه‌ای در نهایت تعهداتی اخلاقی هستند، اما جدا از اخلاق، به صورت متداول، که پیش‌فرض‌های خاص مربوط به عمل است. (دیوس ۱۹۹۹) اخلاق نشان دهنده‌ی شخصیت فرد است؛ اما اخلاق حرفه‌ای است که مناسبات، روابط و پیوندهای اجتماعی افراد را به طور مطلوب شکل و گسترش می‌دهد. در این مقوله، سه گروه اصلی تأثیرگذار و تأثیرپذیر مرتبط با کارکرد آموزشی دانشگاه، عبارتند از مدیران و سیاست‌گذاران، اعضای هیأت علمی و دانشجویان. در این میان، نقش اصلی در اداره و هدایت امر آموزش بر عهده‌ی اعضای هیأت علمی است. پایبندی اعضای هیأت علمی به اصول و ارزش‌های اخلاق حرفه‌ای، هم از منظر توسعه‌ی فرهنگ سازمانی مبتنی بر اخلاقیات و هم از منظر انتقال صفات ممیزه و ویژگی‌های برجسته‌ی انسانی به دانشجویان و در نتیجه اشاعه‌ی آن‌ها در جامعه، بسیار حائز اهمیت است. (نعمتی ۱۳۸۹) اساتید دانشگاه‌ها از آنجا که وظیفه‌ی تدریس و آموزش را به عهده دارند، باید در حرفه‌ی معلمی هم مهارت داشته باشند و با اصول حرفه‌ای آن آشنا باشند؛ چرا که آموزش نخستین کارکرد و مأموریت دانشگاه محسوب می‌شود. آموزش‌های ارائه شده از سوی یک نظام آموزشی ممکن است منجر به بروز رفتارهایی خاص در جامعه شود که از نظر اخلاقی قابل نقد و بررسی باشد. برای مثال: نحوه‌ی تدریس می‌تواند موجبات یادگیری مطلوب دانشجویان متناسب با تحولات علمی و تقاضاهای جامعه را فراهم بیاورد یا نیاورد و با نوع رفتار استاد می‌تواند بر منش و رفتار دانشجویان تأثیر

پژوهشگر را نیازمند علم اخلاق می‌سازد. در یک تقسیم بندی، اخلاق در حوزه‌ی پژوهش، دو مقوله را در بر می‌گیرد: اول، اخلاق استفاده از آزمودنی‌های انسانی در تحقیقات ودوم، اخلاق اجرای پژوهش. در مورد نخست چهار اصل ذیل به عنوان شروط اخلاقی پژوهش در آزمودنی‌های انسانی مطرح می‌شود:



- ۱- رضایت داوطلبانه آزمودنی؛
- ۲- زیان نرساندن تحقیق به آزمودنی؛
- ۳- محرمانه بودن نتایج تحقیق بر روی آزمودنی؛
- ۴- پرهیز از فریب‌کاری متصدیان پژوهش در مورد کیفیت و پی‌آمدهای احتمالی و اطلاع رسانی درست به آزمودنی انسانی.

با توجه به اهمیت آموزش و پرورش و حوزه‌ی پژوهش در تربیت نسل‌های آینده به نظر می‌رسد که توجه به اخلاق آموزش و پرورش از یک طرف و مطالعات نظری در این حوزه از طرف دیگر حایز اهمیت خاصی در کشور ماست. کشور ما برای رسیدن به جایگاه برتر علمی در منطقه باید به ابعاد نرم‌افزاری مطرح و تعیین کننده در حوزه‌ی آموزش و پرورش از جمله بعد اخلاقی آن توجه ویژه‌ای مبذول دارد. در باره‌ی مقوله‌ی دوم؛ در اجرای پژوهش و فرآیند علمی نیز باید از اصول اخلاقی پیروی نمود و از هرگونه تخلف در این حوزه برحذر بود. از جمله‌ی این تخلفات، جعل و دستکاری یا سرقت متون، هنگام اجرای تحقیق یا گزارش یافته‌های پژوهشی است. تخلف پژوهشی، ناشی از دو هنجار علمی است که رابرت کی مرتون جامعه‌شناس بزرگ آنها را چنین مطرح کرده‌است:

- (۱) **تعمیم:** که ایجاب می‌کند یافته‌های پژوهشی بر اساس ارزششان و نه ویژگی‌های فردی پژوهشگر تفسیر شوند.
- (۲) **همگانی بودن:** مطابق این اصل هم پژوهشگر باید نتایج پژوهشی خود را در اختیار جامعه پژوهشی قرار دهد. جامعه پژوهشی نیز موظف است که از این پژوهشگر، با نقل قول و ارجاع به یافته‌ی پژوهشی و رعایت اصل امانت‌داری از پژوهشگر و یافته‌های علمی او، تقدیر کند.

مثبت یا منفی داشته باشد. این امور جایگاه ویژه‌ی استادان را نمایان می‌کند. استاد می‌تواند در ترویج اخلاق در دانشگاه و هر مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی عالی مؤثرترین نقش را داشته باشد. استاد یک الگوی جامع برای دانشجو محسوب می‌شود که در زمینه‌های گوناگونی چون: اخلاق، علم، نحوه برخورد با مسائل، سعه‌ی صدر در برابر مشکلات، صبور بودن و... می‌تواند سرمشق قرارگیرد.

۲-۱. مؤلفه‌ها و مصادیق اخلاق در محور آموزشی

کسانی که به بررسی مقوله‌ی اخلاق در این حوزه می‌پردازند، عموماً سه موضوع را بررسی می‌کنند: اخلاق پژوهشی، اخلاق دانشجویی، اخلاق آموزشی.

۲-۱.۱. اخلاق پژوهشی

اخلاق پژوهش از دو مفهوم اخلاق و پژوهش تشکیل شده‌است و شناخت چپستی آن در گرو تحلیل آن دو مفهوم و تعامل بین آنهاست. در سطور فوق به مفهوم اخلاق اشاره شد. البته ناگفته نماند که امروزه تلقی نوینی از اخلاق در میان است اینکه اخلاق صرفاً انجام امری؛ حصر در فضایل و ردایل صرفاً شخصی و ملکات نفسانی نیست بلکه اخلاق را الگوی خاصی از رفتار ارتباطی درون شخص و برون شخصی می‌دانند (قراملکی ۱۳۸۳) با این توصیف اخلاق، مرهون ارتباط «الف» با «ب» است. اگر در «الف» با «ب» الگوی رفتاری «ج» را اخذ کند اخلاقی عمل کرده است. «ب» در این تعریف اعم از انسان و غیرانسان و نیز فراگیر خود شخص «الف» و غیر اوست. مراد از «ج» الگوی مبنی بر رعایت همه‌ی حقوق «ب» است و این نگرش بمانند نگاه قدما در علم اخلاق نیست که حصر در ردایل و فضایل شخصی است و اخلاق را آموزگار خوی‌های نیکو دانسته‌اند. (ابن عدی ۱۳۶۵؛ زنجانی ۱۳۷۵) اما واژه‌ی پژوهش که امروز کاربرد وسیعی یافته‌است در یک تلقی عام به معنای تحقیق است. اما اگر این واژه را از مطالعات پراکنده به پردازش اطلاعات اطلاق کنیم که به گستره‌ی خاصی از علوم متعلق و دارای هویت جمعی است، مفهوم فراگیر از آن به دست می‌آوریم، به گونه‌ای که شامل هر مطالعه با جهت‌گیری‌های مختلف آموزشی، اطلاع‌رسانی، ترویجی و پژوهشی به معنای خاص می‌گردد (قراملکی ۱۳۸۰). در تعامل بین این دو واژه بایست گفت که اخلاق به منزله‌ی یک دانش، در حوزه‌های مختلف بشری با مسائل گوناگون روبرو می‌شود و حل این مسایل نیازمند تحقیق جامع می‌باشد. از سوی دیگر پژوهش نیز به عنوان فعالیت آگاهانه و مختارانه می‌تواند جهت‌گیری‌های اخلاقی یا غیراخلاقی و ضداخلاقی داشته‌باشد و قاعداً مسؤلیت‌پذیری در فرآیند تحقیق،

۲-۱.۲. اخلاق دانشجویی

اخلاق دانشجویی، مقوله‌ی گسترده‌ای است که عرصه‌های مختلف حیات و فعالیت دانشجو را در بر می‌گیرد، از هنجارهای حاکم بر نوع برخورد با استاد، مدیران و همکلاسان تا هنجارهای حاکم بر فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی و الزامات اخلاقی در محیط خوابگاه و ... اما آسیب‌های آموزشی چون تقلب در امتحانات، سرقت ادبی به هنگام تحویل پروژه‌های موظفی، کمک گرفتن یا کمک دادن غیرمجاز در انجام تکالیف انفرادی، کشف و پخش سؤالات امتحانی یا کلیدهای تست، بیشتر، توجه نویسندگان و پژوهشگران اخلاق در آموزش عالی را به خود معطوف داشته‌اند. اصول و مقررات رفتار شرافتمندانه در برخی مدارس و مراکز آموزش عالی برای مساعدت در جهت کشف، بازدارندگی، تنبیه متقلبان و متخلفان تدوین شده‌است. این منشورها از دانشجویان می‌خواهند که به رعایت اصول و قواعد رفتار شرافتمندانه متعهد شوند.

۲-۱.۳. اخلاق آموزشی

اخلاق آموزشی در دانشگاه‌ها حافظ سعادت و رفاه فردی و گروهی دانشجویان است. تخطی از هنجارهای اخلاقی آموزش می‌تواند به توانایی دانشجو در یادگیری محتوای دروس یا انگیزه برای ادامه تحصیل آسیب جدی وارد کند. برخی محققان اصول ذیل را مواردی از قواعد و هنجارهای اخلاق آموزشی شمرده‌اند:

- الف - احترام به معلم به مثابه یک انسان؛
- ب - رعایت اصل مساوات در مشاوره، آموزش و نمره دادن به متعلمان؛
- ج- تبعیت هیأت علمی از مسؤولیت حرفه‌ای در برنامه‌ریزی دقیق دروس؛
- د- آزاداندیشی نسبت به نگرش‌های مختلف درانتخاب موضوعات درسی (مجموعه‌ی مقالات اخلاق حرفه‌ای بی‌تا).

۳. اصول اخلاقی استاد در ارتباط با دانشجویان

یکی از اصل‌های اساسی در حوزه‌ی اخلاقی، مربوط به حوزه‌ی ارتباط استاد با دانشجویان، احترام به فردیت و تفاوت دانشجویان در اندیشه و رفتارشان است. چنین استادی باور دارد که از سویی، هر دانشجویی تجربه‌های ویژه و متفاوتی از دیگران داشته است و از همین رو بینش‌ها و باورهای ویژه‌ای دارد و از سوی دیگر، همان دانشجو توانایی‌های متفاوتی دارد که می‌تواند به طور ویژه و چه بسا متفاوت با دیگران شکفته شود. براین اساس او به جای تلاش برای القای اندیشه‌ها و نیز شیوه‌ی تحمیل

اندیشه‌ها، شیوه‌ی مخصوصی از اندیشه و رفتار را در ارتباط با دانشجویانش اتخاذ نموده، با آنها همدل شده و تلاش می‌کند که آن‌ها و ویژگی‌های مخصوصشان را بفهمد و هرگونه راهنمایی و اصلاحی را نیز بر بنیاد چنین فهم و پذیرشی در پیش گیرد. راجرز نیز بر این اساس، آموزش را بیش از انتقال دانسته‌ها درباره‌ی رویدادها دانسته و از همدلی در تربیت سخن می‌گوید؛ همدلی به این معنا است که استاد به جهان درونی دانشجو راه یابد و جهان او را آن‌گونه تجربه کند که خود او تجربه می‌کند و البته در آن محو نشود. به باور او همدلی تنها دانستن آنچه دانشجو به آن می‌اندیشد، نیست؛ بلکه تجربه کردن به روشی است که او تجربه می‌کند. (مجموعه‌ی مقالات اخلاق حرفه‌ای بی‌تا). پایبندی و رفتار بر بنیاد چنین اصلی از سوی استاد، بیش از این که بخشی از منش اخلاقی او در طول زندگانش می‌شود، چه بسا بر دانشجویانش نیز کارگر می‌افتد و آنها نیز احترام به فردیت و تفاوت آدمیان را سرلوحه اندیشه و رفتار خود قرار می‌دهند. گسترش چنین رویه‌ای در هر جامعه‌ای، بر امکان زندگانی خردمندانه‌تر در آن جامعه می‌افزاید.

۴- اصول اخلاقی دانشجو در ارتباط با استاد

در باره‌ی احترام متعلم به معلم، در قرآن و روایات اسلامی توصیه‌های مؤکدی وجود دارد. خداوند متعال داستانی از حضرت موسی (ع) در قرآن کریم بازگو فرموده که او به حضرت خضر (ع) گفت: «هَلْ أَتَيْتَكَ عَلَيَّ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُسُودًا» (کهف ۶۶) آیا مرا رخصت می‌دهی که در پی تو آیم تا رهنمودهایی را که آموخته‌ای، به من تعلیم دهی؟ یا آن که موسی (ع) پس از آن که پاسخ مثبتی از جانب خضر (ع) دریافت نکرد به او گفت: «سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَ لَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا» (کهف ۶۹) «مرا به خواست خداوند، خویشتن‌دار خواهی یافت و نیز سر از فرمان تو نافرمانی نکنم». در این دو گفتار کوتاه حضرت موسی (ع)، گزیده‌ای از آداب و آئین‌های شکوهمند به چشم می‌خورد که میان یک شاگرد و معلم او اتفاق افتاده‌بود. با وجود این که حضرت موسی (ع) پیامبری عظیم الشان و یکی از رسولان اولوالعزم بوده‌است، اما عظمت شخصیت والای او مانع از آن نبوده‌است که آداب در خور یک شاگرد نسبت به استاد را به کار بندد. آیات فوق، چند خصیصه و نکته‌ی سودمند تربیتی را به ما ارائه می‌کند که مهم‌ترین آنها را یادآور می‌شویم:

۱- موسی (ع) خویشتن را تابع و پیرو استاد خود معرفی کرده‌است. این مسأله ایجاب می‌کند که مقام و منزلت

در گام نخست، پیرو معلّم بوده، و سپس معلّم، او را تعلیم داده، و در سومین مرحله، خویشتن را در خدمت به استاد قرار دهد تا سرانجام در نهائی‌ترین مرحله، از دانش او برخوردار گردد و به علم آموزی نزد وی بپردازد. (قرائتی ۱۳۸۳)

از این رو اگر کسی دارای احاطه‌ی علمی فزون‌تری باشد، قهراً آگاهی او به محتوی و هدف‌های علوم و دانش‌ها - که عبارت از همان سعادت و نیکبختی و سرور و کامیابی است - بیشتر خواهد بود. لذا حسن کنجکاوی او در وصول به چنین سعادت و لذت، تقویت شده و قهراً بزرگداشت او از اهل علم، از کمال بیشتری برخوردار خواهد بود. روایات نیز از اهمیت این امر حکایت دارد؛ در حدیث مربوط به (حقوق) - که نسبتاً طولانی و مفصل است و از امام سجّاد (ع) روایت شده - چنین آمده است:

«حقّ راهبر و مدبّر و کارساز زندگانی روحی تو - که از مجرای علم، وجودت را تحت مراقبت خویش می‌گیرد- این است که از او تجلیل نموده، و مجلس و محفل او را گرمی داری و به سخنان او کاملاً گوش فرا دهی و با چهره‌ای گشاده بدو روی آوری، صدایت را هنگام گفتگو با دیگران در محضر وی، و یا به هنگام گفتگوی با او بلند نسازی. اگر کسی از او سؤال کرد در پاسخ دادن به آن پیش‌دستی نکنی، یعنی بگذار خود او پاسخ آن پرسش را شخصاً القاء نماید. از هیچ کس نزد او غیبت ننما یعنی: اگر کسی نزد تو از او به بدی یاد کرد باید در مقام دفاع و حمایت از او برآئی و...، اگر به اداء این حقوق نسبت به دانشمند و استاد خویش، موقّق گردی، فرشتگان آسمانی در جهت خیر تو گواهی خواهند داد که تو آهنگ چنین استادی را داشته، و دانش را برای خدا و هدفی الهی از پیشگاه او فراگرفته‌ای، نه برای مردم».

امام صادق (ع) از امام علی (ع) نقل می‌کند که ایشان همواره می‌فرمودند: «از حق عالم است که بسیار از وی نپرسی و جامه‌اش را نگیری و چون نزدش درآیی و کسانی با او باشند، بر همه درود فرستی و او را به تحیت مخصوص گردانی. پشت سرش ننشینی و نزد او به گوشه چشم و دست اشارت نکنی و پرنگویی که فلان کس و بهمان کس خلاف نظرت را گفته‌اند و از طول صحبتش دل‌تنگ نشوی، چون عالم همانند نخل خرماسست، باید منتظر باشی تا از آن برایت چیزی فروافتد. اجر عالم از روزه‌گیر شب زنده‌دار و مجاهد در راه خداوند بزرگ‌تر است» (حرعاملی ۱۴۰۹؛ کلینی ۱۳۶۵).

موسای شاگرد، از مقام استادش خضر (ع)، فروتر باشد؛ چون مقام تابع، نسبت به متبوع خود، پائین‌تر است. معنی پیروی کردن از شخص دیگر، این است که تابع، همانند رفتار متبوع، رفتار خویش را تنظیم نماید. این نکته به ما می‌فهماند که شاگرد و دانشجو باید در نخستین گام خود در راه تحصیل، همواره در برابر گفتار و رفتار استاد، تسلیم بوده و با او نستیزد.

۲- موسی (ع) با واژه هل: آیا، از خضر (ع) اجازه و رخصت می‌طلبد. یعنی آیا اجازه می‌دهی که در پی تو آیم. چنین مطلبی نمایانگر مبالغه‌ی عظیمی در تواضع می‌باشد که باید شاگرد نسبت به استاد خویش معمول دارد.

۳- موسی (ع) با تعبیر «مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا»، به خضر گفت: شایسته است که احسان تو، به من، به گونه احسان خداوند نسبت به خودت باشد. (یعنی خداوند متعال از طریق تعلیم، بر تو منت نهاد و به تو احسان فرمود؛ تو نیز همان منت و احسان را درباره من معمول دار و به من تعلیم ده). به همین جهت است که گفته‌اند: من بنده‌ی کسی هستم که علم و دانش را از او اخذ نمودم. اگر کسی مسأله‌ای را به شخصی بیاموزد، زمام اختیار او را به کف گرفته و مالک او می‌گردد. (مکارم شیرازی ۱۳۸۲)

۴- جمله «مِمَّا عَلَّمْتَ»، اشاره به بخشی از معلومات خضر است که آن را خداوند متعال به وی آموخته بود. علامه مجلسی می‌گوید: «خضر پیغمبر خدا بود، علمی که پیغمبر باید در آن محتاج به غیر نباشد، شرایع و احکام است؛ اگر بعضی علوم را که تعلق به شرایع و احکام نداشته‌باشد، حق تعالی توسط بشری تعلیم پیغمبر نماید، مفسده‌ای ندارد و از این که موسی در بعضی علوم محتاج خضر باشد لازم نمی‌آید خضر از آن حضرت اعلم و افضل باشد» (مجلسی ۱۳۷۵). در نهایت باید گفت بهره‌ی موسی از علم شریعت نسبت به خضر بیشتر بوده است و بهره‌ی خضر از علم حقیقت نیز بیشتر از موسی بوده است (آلوسی ۱۴۱۵).

۵- کلمه «رُشْدًا»، حاکی از آن است که موسی از خضر، درخواست راهنمایی کرده‌است، به گونه‌ای که اگر موسی (ع) از برکات ارشاد خضر (ع) بهره‌مند نمی‌گردید، سرگشته و گمراه می‌شد. بنابراین موسای شاگرد به مسأله شدت نیاز خود به آموختن و تذلل و شکسته نفسی جالب توجه در برابر خضر، و نیز احتیاج آشکار خویش به علم و آگاهی استاد، اعتراف نموده‌است.

آیه‌ی مذکور (در مورد وظیفه‌ی شاگرد نسبت به معلّم)، این جهات به ترتیب تذکر داده شده‌است: پیروی، تعلیم، خدمت، و تعلّم و دانش‌جوئی. به این معنی که باید شاگرد

نمونه اگر دانشجویی از استاد خویش سؤالی نماید و نگاه استاد به این شخص و پرسش او نگاهی بدبینانه باشد، این نگرش می‌تواند آسیب‌های جدی در بر داشته باشد؛ همچون برخورد ناصواب استاد؛ تحقیر و تمسخر یا سرخوردگی دانشجو که در مجموع باعث از دست دادن اعتماد به نفس می‌شود. بر این اساس است که امام علی (ع) تأکید می‌کند: «لَا تَطْنَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أُخَيْكَ سُوءًا وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا» (کلینی ۱۳۶۵) «یعنی بر کلمه‌ای که از دهان برادرت خارج می‌شود و می‌توانی برای آن توجیه و تفسیر نیکویی بیابی، هرگز گمان بد مبر». اگر جامعه‌ی انسانی و علمی به این مرحله از ایمان اوج گیرد، آن‌گاه است که به امنیت راستین و وصف ناپذیری اوج گرفته‌است.

ج. لزوم بردباری و نقدپذیری در استاد

در آموزه‌های دینی، واژه‌های نصیحت، تذکر، موعظه، استماع قول، اتباع احسن، امر به معروف و نهی از منکر، هر یک به گونه‌ای، اهمیت و جایگاه انتقاد و انتقادپذیری را بیان می‌کنند. قرآن کریم می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»؛ (زمر ۱۸) «پس بندگان مرا که به سخن گوش فرا می‌دهند، آنگاه بهترین آن را پیروی می‌کنند، مؤده بده!» در کلمه «استماع» نکته‌ی نغز ویژه‌ی نهفته است که در «سماع» نیست. شنیدن سخن دیگران، با آن صورتی که ناخواسته سخن دیگری به گوش برسد، تفاوت دارد. آن که گوش فرا می‌دهد، نقد و بررسی نیز می‌کند. آن‌گاه دست به گزینش می‌زند. به هنگام برگزیدن نیز، میان خوب‌ها و خوب‌ترها، به گونه‌ای ارزیابی می‌کند و در پایان با آگاهی و بررسی همه جانبه، سخن نیکوتر و پیشنهاد به واقع نزدیک‌تر و نیز طرح خردمندانه‌تر را برمی‌گزیند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ أَحْوُ الْمُؤْمِنِ عَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ لَا يَخُونُهُ وَ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَعْشُهُ وَ لَا يَعِدُهُ عِدَّةً فَيُخْلِفُهُ»؛ (مجلسی ۱۱۱۱) «مؤمن برادر مؤمن است و به منزله‌ی چشم او و راهنمای اوست؛ هرگز به او خیانت و ستم نمی‌کند، با او غش و تقلب نمی‌کند و هر وعده‌ای به او دهد، سر برنخواهد تافت.» در این مؤلفه، هم شخص ناقد و هم شخص مورد انتقاد، باید به این مهم توجه داشته‌باشند که نقد را، از ساحت نقد به اندیشه و کردار، به نقد صاحب اندیشه و کردار نکشانند. در نتیجه اگر گاهی از سوی دانشجویان نقدی متوجه استاد گردد؛ استاد هرگز نباید نقد آنها را به معنای در افتادن با خود تلقی کند. به تعبیر دیگر دانشجو از نقد خود در صدد بیان مخالفت خود با اندیشه‌ی خاص است و نه از استاد. بر این اساس است که بردباری و نقدپذیری استاد، نقش مهمی در

۵- اصول اخلاقی استاد با تکیه بر ملاک‌های اسلامی

بنا بر تأکید اسلام بر تعلیم و تربیت، اصول خاصی بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی به دست ما رسیده‌است که رعایت آن اصول، خط مشی اسلامی را در حوزه‌ی اخلاق، نمایان می‌کند که در این بخش به مهم‌ترین این اصول می‌پردازیم:

الف. خلق و خوی نیکو

از دیدگاه اسلام، انسان به عنوان موجودی اجتماعی و تربیت‌پذیر است که تعالی و رشد اخلاقی وی در بستر جامعه صورت می‌گیرد. از این‌رو توصیه‌های اخلاقی خاصی را برای ظهور استعدادهای انسان، ارائه کرده‌است. این در حالی است که انسان به طور فطری طالب کمال بوده و به دنبال انسان‌های آراسته به فضائل و زیبایی‌های اخلاقی است و بی‌اختیار آنان را تحسین می‌کند. روشن‌ترین آیه در این باره عبارت است از: «وَ أَنْتَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم ۴) «به راستی که تو را خوبی والا است». پیامبر (ص) که بزرگترین معلم دین مقدس اسلام است به این ویژگی شهره دارد که باید سرمشق کلیه معلمان باشد. در روایتی نیز حضرت تأکید کرده‌اند: «سه چیز است که هر کس نداشته باشد نه از من است و نه از خدای عزوجل. عرض شد: ای رسول خدا! آنها کدامند؟ فرمودند: بردباری که به وسیله‌ی آن جهالت نادان را دفع کند، اخلاق خوش که با آن در میان مردم زندگی کند و پارسایی که او را از نافرمانی خدا باز دارد.» (صدوق ۱۴۱۶)

ب. حسن ظن

یکی دیگر از صفات لازم برای یک معلم، داشتن حسن ظن و نگاه خوش بینانه و دور از هر گونه سوءظن نسبت به متعلم به ویژه افراد ستیزه‌جو و لجباز است. قرآن در راه ساختن جامعه‌ی انسانی و اخلاقی و شرایط سالم و فضای درست، به ایمان آوردگان هشدار می‌دهد که در محیط فکر و اندیشه، باید از بسیاری از گمان‌ها و پندارها دوری جویند: «اجتنبوا کثیرا من الظن» (حجرات ۱۲). پیامبرگرامی (ص) می‌فرماید: «ان الله حرم من المسلمین دمه وماله وعرضه و ان یظن به السوء»؛ «به یقین خدا خون ومال و آبروی مسلمان را بردگیری حرام کرده و نیز بدگمانی و پندارناروا درمورد او را». درجای دیگر ایشان می‌فرماید: «نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَبَابٌ لَهٗ عِبَادٌ» (محدث نوری ۱۴۰۹) «نگاه محبت‌آمیز مؤمن به چهره‌ی برادر مؤمنش نوعی عبادت است». تأکید این روایات در مجموع، بر حسن ظن همراه با خلق نیکو می‌باشد. از این رو خوش‌گمانی نسبت به متعلم در آموزه‌های اسلامی امری بسیار ضروری است. به عنوان

هدایت دانشجو به گزینش راه حل مناسب است.

د. پرهیز از قضاوت‌ها و برداشت‌های عجولانه

آسیب‌های فراوانی از شتاب استاد نسبت به دانشجو، از طرح برخی مباحث در کلاس در نظام آموزشی به چشم می‌خورد که قاعدتا با سعه‌ی صدر استاد، به آسانی قابل رفع بوده‌است، اما این قضاوت‌های عجولانه، نتایج اسفباری به دنبال دارد. امام علی (ع) در فرمان خویش به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک بپرهیز از شتابزدگی در کارها پیش از آنکه زمانش فرا رسد». (ری شهری ۱۳۸۶) در معنای لغوی «عجله» چنین بیان شده‌است: «خواستن چیزی و در جستجوی امری برآمدن، پیش از آنکه وقت آن فرا برسد». یعنی قبل از آنکه شرایط و مقدمات کافی برای انجام امری فراهم گردد، کسی وارد آن کار بشود. پاره‌ای از روایات نیز، فرد شتابزده را در نیل به مطلوب خویش ناکام معرفی می‌نماید: «شتابزدگی را واگذارید زیرا شتابکار خواسته‌اش به دست نیاید و پایان کارش پسندیده نباشد» (ری شهری ۱۳۸۶).

ز. کنترل کلاس و دانشجویان

یکی دیگر از وظایف استاد، که توجه بدان مهم است، حفظ آرامش و گفتگوهای دانشجویان است، بدیهی است در صورتی که خود دانشجویان نیز در طرح پرسش‌ها، زمان‌بندی لازم را نداشته‌باشند و پرسش‌ها به شکل پی در پی و نامربوط طرح گردند، پاسخ‌ها نیز ابتر و ناقص می‌ماند و بحث، نتیجه‌ای نخواهد داشت. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «إِذَا أَرَدَ حَمَّ الْجَوَابِ خَفِيَ الصَّوَابُ» (ابن ابی الحدید ۱۴۰۴) «هرگاه پاسخ‌ها متراکم گردند، جواب صحیح و درست مخفی می‌گردد». از این رو وقتی که استاد با تراکم سخن، از سوی موافقان و مخالفان روبه رو می‌شود، باید با کنترل کلاس، به بررسی و پاسخ یک پرسش‌های مرتبط بپردازد. بنابراین برای رشد دانشجو و نیز پیش‌گیری از رخدادهایی همچون، دل‌زدگی و سرخوردگی، لازم است که استاد به سخن دانشجو گوش دهد و میدان صحبت را برای او و دیگر مستمعین فراهم سازد. این مقوله نیز از جمله مهمترین اصول اخلاقی در یک استاد است. در این بخش استاد باید آگاه باشد که برخی از دانشجویان، از طرح یک مسأله ممکن است برداشت‌های متفاوتی داشته باشند و بر پاسخ خود پافشاری کنند که گاهی این اصرار دانشجو بر پاسخ مسأله، ناشی از تعصبات قبیله‌ای یا مذهبی، سیاسی و ... باشد. در چنین مواقعی استاد نباید با تحقیر دانشجو یا اهانت به اندیشه یا عقیده‌اش، شخصیت او را در میان سایر دانشجویان، زیر سؤال برده، او را ساکت یا مغلوب خود

سازد. استاد باید با روشی درست و به نرمی، او را متوجه اصل مسأله نماید. چنانکه آیه شریفه می‌فرماید: «اذعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل ۱۲۵) «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای. در حقیقت، پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] داناتر است». در این آیه، اولین توصیه‌ها در دعوت کردن به سوی خداوند، با ابزار حکمت، موعظه‌ی حسنه و جدال است. جدال عبارت است از سخن گفتن از طریق نزاع و غلبه جویی (خمینی ۱۳۹۰) و نیز ترتیب مقدمات غیر علمی برای مغلوب کردن طرف مقابل و یا استفاده از موضوعاتی که طرف مقابل آنها را قبول دارد با شیوه‌ی خاصی که در کتب منطوق و کتب مخصوص آداب مناظره آمده‌است. در قرآن از فن جدل و مناظره نیز استفاده شده و از دو نوع جدل یاد شده‌است (شمخی ۱۳۹۲):

الف) *جدال باطل*: و آن جدالی است که اهل باطل برای سرکوبی حق می‌کنند. این نوع جدال مذموم است و در آن از مقدمات باطل برای رسیدن به یک نتیجه استفاده می‌شود مانند: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى وَ لَا كِتَابٍ مُّبِينٍ» (لقمان ۲۰) و از مردم کسانی هستند که در باره خدا مجادله می‌کنند بدون آن که علمی یا هدایتی یا کتابی روشن کننده داشته باشند. در این آیه به سیاق سابق برگشت شده که خطاب را متوجه شخص رسول خدا (ص) می‌کرد، و کلمه "مجادله" به معنای بحث و مناظره به منظور غلبه یافتن بر خصم است، و مقابله‌ای که بین "علم" و "هدی" و "کتاب" انداخته، اشاره دارد به اینکه مراد از علم آن حجت‌های عقلی است که با تحصیل و اکتساب به دست می‌آید، و مراد از هدایت، آن حقایقی است که خدا از طریق وحی و یا الهام به دل انسان افاضه می‌کند، و مراد از کتاب، کتاب‌های آسمانی است که از طریق وحی و نبوت به خدا منتهی و مستند می‌شود، و به همین جهت که مستند به اوست آن را منیر و روشنگر توصیف کرد، و این سه طریق از طرق علم است که چهارمی برایش نیست. و حاصل کلام این می‌شود، که پیروی وقتی نیکو و بجاست، که پیروی شدگان بر حق بوده باشند. (طباطبایی ۱۳۸۲)

ب) *جدال به احسن*: این نوع جدال از نظر قرآن مطلوب بوده و به آن امر شده‌است. این جدال، جدالی است که برای اثبات یک مطلب حق است و نیز مقدمات آن طوری

Gharamaleki, F.A, *Professional Ethics*, Tehran, Majnun Publication.

Gharamaleki, F.A 1380, *Religious studies methodology*, Mashhad, Razavi Islamic knowledge press.

Gharamaleki, F.A 1386, *the On, the treasure of professional ethics in Iranian and Islamic civilization*, Tehran, Center for Social and Cultural Studies .

Ghazzālī, F, Claude 2007, *The alchemy of happiness*. Rev. ed. Kuala Lumpur, Islamic Book Trust.

Gheraati, M 1388, *Noor Interpretion*, Tehran, Lessons from Quran cultural center.

Ghasemi, H 1390, professional ethics necessity or choice, *Journal of facilities and equipment*, Pp.81.

Ibn Abi al-Hadeed 1404, *Sharh Nahj al-Balaghah*, 20 volume in 10 Issues, The Library of. Ayatollah Marashi Najafi Publication, qom.

Hor Ameli, M 1409, *Wasael Al-shia*, Qom, Alolbeit institute.

Ibn oday, y 1365, *Tahzib al-akhlagh*, preface and correctction by Mahmud Mirdamadi, Tehran, cultural studies and researches publication.

Ibn Manzur, M 1414, *Lisan Alarab*, Beirut, Dar Sadr.

Khomeini, R 1390, *Tahrir alwasileh*, Najaf, Darol kotob alelmieh.

Koleinin, M 1365, *Alkafi*, Tehran, Dar alkotob Alislamieh.

Majlesi ,M 1357, the history of the Prophets (peace be upon him), Qom Server.

Majlesi ,M 1111, *Bihar Al anwar aljamea le dorare akhbr aeme athar*, Tehran, alislamieh.

Paper Collection, professional Ethics,(bt), *Related to the leader institution in universities*, Pp.13-33.

Motahari, M 1387, *Talim and Tarbia in Islam*, Tehran, Alzahra University Press.

انتخاب شده که موجب اهانت به طرف مقابل و رنجش خاطر او نمی‌گردد، بلکه با جملاتی مؤدبانه و زیبا ادا می‌شود: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت ۴۶) «و با اهل کتاب مجادله نکنید مگر با چیزی که آن نیکوتر است». (ابن منظور ۱۴۱۴؛ طریحی ۱۳۷۵) بدین ترتیب می توان اصول اخلاقی استاد را بر اساس معیارهای اسلامی در عناوین متعددی بیان کرد که در این نوشتار اندک نمی‌گنجد و به ذکر مهم‌ترین موارد در این زمینه اکتفا شده‌است.

نتیجه گیری

بی‌تردید، گرایش به ارزش‌های اخلاقی به طور فطری در نهاد آدمی وجود دارد و اولیای الهی از دیر باز انسان‌ها را به رفتار براساس ارزش‌های اخلاقی دعوت کرده‌اند. مقوله‌ی اخلاق و مؤلفه‌های آن، که سابقه‌ی دیرینه‌ای دارد، درایران به تازگی جایگاهی پیدا کرده و در این چند دهه‌ی اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته‌است. به ویژه که بررسی این مقوله در محیط آکادمیک و توجه بدان، بسیاری از مشکلات را حل کرده‌است و منابع مهم اسلامی برآن تأکید دارد. اسلام، دینی است که یکی از رسالت‌های مهم آن، اخلاق است. اخلاق حرفه‌ای، به دلیل هویت اسلامی، ملاک نهایی اخلاق و اصول راهبردی آن را از قرآن و روایات کسب می‌کند. از این رو، پژوهش حاضر در بررسی مقوله‌ی اخلاق با تأکید بر آموزه‌های دینی بر عناوین ذیل تأکید دارد: اخلاق حرفه‌ای آموزش و تدریس؛ مؤلفه‌ها و مصادیق اخلاق که در سه محور آموزشی: اخلاق پژوهشی؛ اخلاق دانشجویی و اخلاق آموزشی تبیین شده است. از سوی دیگر اصول اخلاقی استاد در ارتباط با دانشجویان و با تکیه بر ملاک‌های اسلامی در عناوین مهم چون: خلق و خوی نیکو، حسن ظن، لزوم بردباری و نقدپذیری در استاد، پرهیز از قضاوت‌های عجولانه و... بیان گردید. در نهایت، از این نکات می‌توان به الگو، مبانی و اصول اخلاقی مهمی در ارتباط با مقولات مربوط به رابطه استاد با دانشجو دست یافت.

References

Holy Quran, Persian translate by Mohammad Mahdi Fuladvand.

Altoraishi, F 1375. HSh, *Majma Al Bahrain*, Mortazavi Publication.

Aloves, M 1415 ,*Rooh Almany fi tafsir al-Azim*, research: Ali Abdul Tyh, Beirut: Daralktb Allmyh.

Ray shahre, M 1386, *Mizan Alhakmh*. the al-Qom, Scientific and Cultural Organization Dar al-Hadith, the publishing.

Sadough, M 1416, *Al-khesal*, the selection Seyyed Mohammad Mousavi, Chapdar Almrkh, Beirut, Lebanon, in. Pp.172.

Shamkhi, M 1392, khasaes payambaran dar yasin, *bayyenat*, Vol.88, No.1-2, Pp.77-78.

Davis, M 1999, *Ethic and the university*, first publish, Routledge. Pp.45.

Nemati, M 1389, ethics in higher education: measures, requisites and Strategies, Tehran, Strategic Research Institue.

Makarem Shirazi, N 1382, *interpreting example*, a scholar Ahmad Ali Babaei, Tehran: Daralktb Islamiyah.

Tabatabai, M 1382, *Tafsir almizan*. Translated by Seyyed Mohammad Baqer Mvsvyhmdany, Islamic Publications Office, Qom.

Ethics in Higher Education Based on Islamic traditions

Mina Shamkhi ^{1,*}

Nanci Saki¹

¹: Faculty Member of Theology and Islamic Education, Department of Quran Sciences and Hadith, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Abstract: Ethics play an important role in education and higher education organizations, like other organizations, should have their ethical code of conduct. Higher education is also one of the biggest institutions which should define and consider ethical codes in education and training and should extract them from religious traditions. Hence, ethics as a practical system always try to solve ethical problems and seeks new solutions to develop healthy and moral relationships. The present paper using an archival research approach explains status of ethics and ethical standards in both education- Research and training roles and confirms the importance and validity of that, too.

Keywords: Ethics, Higher Education, Training, Professors, Students.

***Corresponding author:** Faculty Member of Theology and Islamic Education, Department of Quran Sciences and Hadith, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Email: m_shamkhi@yahoo.com